خراسان روزنامه صبح ایران
سه شنبه ۷ آذر ۱۳۹۶ . ۹ ربیع الاول ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۶۹۳

سیطره انگلیس بر اقتصاد ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد

آنتونی پارسونز
(۱۹۹۶-۱۹۲۲ میلادی)

دیپلمات انگلیسی و سفیر این کشور در ایران، طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ بود. دوران مأموریت پارسونز از یک سو، با افزایش چشمگیر روابط اقتصادی ایران و انگلیس و از سوی دیگر، با اوج‌گیری انقلاب اسلامی همزمان شد. او بعدها خاطرات دوران حضورش در ایران را نوشت که با عنوان «غرور و سقوط» به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

اگر چه تضعیف بریتانیا طی جنگ جهانی دوم باعث شد این کشور، در دهه‌های بعد از جنگ، قافیه را به رقیب نوظهور و تازه‌نفس خود، یعنی ایالات متحده بازد و نقش کم‌رنگ شده خود را در مناطق تحت نفوذ سابقش بپذیرد، اما استعمار پیر، زیرکتر از آن بود که به یک‌باره از منافع اقتصادی خود در کشورهایی مانند ایران، چشم‌پوشی و صحنه را کاملاً برای آمریکایی‌ها خالی کند. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پژوهش و بررسی درباره نفوذ اقتصادی-اجتماعی انگلیس در ایران را، طی دوره پهلوی دوم، باید از همان نخستین سال سلطنت محمدرضا پهلوی آغاز کرد. انگلیسی‌ها که در این مقطع زمانی، در کنار شوروی، بر ایران مسلط بودند، سعی می‌کردند با کمک‌هایی جزئی، در زمینه تأمین معیشت مردم، بر گذشته تاریکشان پرده بیندازند و در میان ایرانیان، وجهه مثبت به دست آورند.

■ **تلاش برای حفظ نفوذ**

اگر چه انگلستان طی سال‌های جنگ جهانی اول، نفوذ قابل‌توجهی در ساختار اقتصادی ایران داشت و سود سرشاری از این رابطه می‌برد، اما از نیمه دوم دهه ۱۳۲۰ هـ.ش به بعد، که نفوذ سیاسی انگلستان در ایران، تحت الشعاع حضور ایالات متحده قرار گرفت، تکاپوی آنان برای گرفتن امتیازات اقتصادی، بیشتر شد. مسافرت محمدرضا پهلوی به انگلیس، در تیرماه ۱۳۲۷ و تلاش انگلیس برای به دست آوردن امتیازات جدید در این سفر، نمونه‌ای از این تکاپوهاست. انگلیسی‌ها موافقت کردند قسمتی از دارایی‌های رضاخان را که در بانک‌های سوئیس مسدود کرده بودند، به محمدرضا پهلوی بازگردانند، البتّه به شرط آن که دولت ایران، معادل آن مبلغ، کالای انگلیسی خریداری کند! از طرف دیگر، بر اساس مذاکرات دوطرف، قرار شد درباره مسئله نفت (که برجسته‌ترین نمونه اقتصادی استثمار ایران به وسیله بریتانیا محسوب می‌شد) توافقات جدیدی به عمل آید که پیامد آن، انعقاد پیمان نفتی گس-گلشاییان در تیرماه ۱۳۲۸ بود. با روی کار آمدن دولت دکتر مصدّق، اگر چه نفوذ اقتصادی انگلیس در ایران تنزّل شدیدی پیدا کرد، تا آن جا که نفت، یعنی مهم‌ترین بُعد استثمار اقتصادی‌اش در سرزمین ایران را از دست داد، اما این وضعیت، چندان تداوم پیدا نکرد، چرا که با وقوع کودتا، وابستگی اقتصادی رژیم پهلوی به انگلیس، دوباره احیا شد. صرف نظر از سود سرشاری که بابت تشکیل کنسرسیوم نفتی نصیب انگلستان شد و بر مبنای آن، ۲۵ میلیون پوند غرامت، بابت ملی شدن نفت به شرکت انگلیسی پرداخت کردند، ۴۰ درصد از نفت ایران در کنسرسیوم هم به شرکت‌های انگلیسی واگذار شد.

■ **فراتر از صنعت نفت**

پس از کودتای ۲۸ مرداد، انگلیسی‌ها با وجود محدود شدن نفوذشان در صنعت نفت، فعالیت گسترده‌ای را در دیگر عرصه‌های اقتصادی ایران، آغاز کردند. فروش ۲۴ دستگاه لکوموتیو به راه‌آهن دولتی ایران، در اواخر سال ۱۳۳۲، نخستین گام در این زمینه بود. طبق گزارش سفیر انگلیس در تهران، در اردیبهشت ۱۳۳۳، این کشور با وجود رقابت آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها، قرارداد فروش ۱۰ هزار تُن ریل فولادی به ایران را امضا کرد که ارزش آن، پنج میلیون پوند بود. همچنین، در خردادماه همین سال، صادر کنندگان انگلیسی، ۱۰ قرارداد بزرگ تأمین تجهیزات را با ایران امضا کردند که فقط ارزش یکی از این قراردادها، یک میلیون و ۶۰۰ هزار پوند بود و بر اساس آن، هزار دستگاه تراکتور و تجهیزات کشاورزی به ایران فروخته می‌شد. فعالیت انگلیسی‌ها در اقتصاد ایران، خالی از نقص نبود. برای نمونه، بزرگ‌ترین شرکت انگلیسیِ فعال در ایران، به نام «مولمز» که به عنوان یک شرکت مهندس مشاور در زمینه راه‌سازی، قراردادی در سال ۱۳۳۴ ش با سازمان برنامه ایران امضا کرد، کفایت، شایستگی و کارایی لازم را از خود نشان نداد؛ تا آن جا که حتی سفیر وقتِ انگلیس گزارش داد: «متأسفانه عملکرد شرکت مولمز باعث تیرگی وجهه انگلیس نزد مردم ایران شد». با این حال و با وجود همه کارشکنی‌ها و نداشتن صلاحیت‌ها، نفوذ اقتصادی انگلیسی‌ها در قالب فعالیت‌هایی همچون انعقاد قرارداد در زمینه احداث خط لوله نفت جنوب و فروش ۲۵۰ دستگاه اتوبوس از طرف شرکت «ای سی وی» به شهرداری تهران ادامه داشت. رخنه اقتصادی انگلستان در ایران در دوره پهلوی دوم، فقط به عرصه صنعت محدود نمی‌شد. انگلیسی‌ها اواسط دهه ۱۳۳۰ شورای تجارت خاورمیانه را ایجاد کرده بودند که طبیعتاً، یکی از قسمت‌های مهم فعالیت آن، در سرزمین ایران بود. به طوری که وزیر تجارت انگلیس، به همراه رئیس شورای تجارت آن، در خرداد ۱۳۳۷ به ایران آمد و علاوه بر تهران، سفرهایی به استان‌های مختلف ایران داشت و در آن جا با بازرگانان معروف ایرانی دیدار و گفت‌وگو کرد.

■ **فروش تسلیحات انگلیسی به ایران**

نفوذ بریتانیا در ساختار اقتصادی ایران، در دوره پهلوی دوم، طی دهه ۱۳۴۰ نیز تداوم پیدا کرد، تا آن جا که گفته شده است، در مجموع تا سال ۱۳۵۰، ۶۱۸ شرکت خارجی در ایران به ثبت رسیده بود که انگلستان با ۱۰۶ شرکت و سرمایه‌ای معادل ۶۷ میلیارد ریال، در رده سوم قرار داشت. این نفوذ، از آغاز دهه ۱۳۵۰، به نوعی پُررنگ‌تر شد. انگلیس پس از آمریکا، مقام دوم فروش جنگ افزار به ایران را داشت، چنان که در دهه پایانی حکومت پهلوی، معادل ۱۰ میلیارد دلار اسلحه به ایران فروخت که شامل ده‌ها فروند هاور کرافت، صدها تانک چیفتن و اسکورپین، سه ناوشکن و مقدار قابل‌توجهی موشک‌های رپایر بود. این سیر صعودی روابط اقتصادی ایران با بریتانیا، در زمینه خرید تجهیزات نظامی، ادامه پیدا کرد؛ تا آن جا که بریتانیا طی دهه ۱۳۵۰، فروشنده عمده جنگ افزار، به‌ویژه تانک، در ایران محسوب می‌شد و بخش عمده ۹۷۱ میلیون دلار صادرات انگلیس به ایران را در سال ۱۳۵۶، جنگ افزار تشکیل می‌داد. وزیر دفاع انگلیس، اوایل سال ۱۳۵۷، طی یک سخنرانی در مجلس عوام کشورش، از فروش ۶۰۰ میلیون لیره اسلحه به ایران سخن گفت. سود دلالان وابسته به انگلیس نیز از فروش تسلیحات به ایران، شگفت‌آور بود. به عنوان نمونه، یکی از اشخاصی که نقش چشمگیر و حائز اهمیتی در این مبادلات بازی می‌کرد، شاپور ریپورتر نام داشت. این شخص که به دلیل خدمات خود به بریتانیا، در سال ۱۳۵۲، از ملکه انگلیس لقب «سِر» دریافت کرد، فقط در یک فقره از دلّالی‌های معاملاتیِ خود، به دلیل ایفای نقش در فروش تانک‌های انگلیسی به ایران، یک میلیون لیره حق دلالی دریافت کرد.

■ **تشکیل کمیسیون مشترک اقتصادی**

واقعه‌ای که در گسترش رابطه اقتصادی انگلیس با ایران، طی دهه ۱۳۵۰، نقش مهمی ایفا کرد، ایجاد کمیسیون مشترک اقتصادی بود که توسط وزیران اقتصاد بریتانیا و ایران، در سال ۱۳۵۱ تشکیل شد و پیامد آن، بسط مناسبات و امضای قراردادهای متعدد در زمینه اقتصادی میان دو طرف بود. این قرارداد، بیش از این که به سود ایران باشد، به نفع انگلستان بود؛ در حالی که ارزش صادرات ایران (بدون نفت) به انگلیس، در ۹ ماهه اول سال ۱۳۵۴، حدود شش میلیارد ریال برآورد می‌شد، انگلیسی‌ها، طی همین مدت، بیش از ۴۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال کالا وارد ایران کرده بودند. می‌توان گفت که در سال‌های پایانی حکومت رژیم پهلوی، کشور ایران، وسیع‌ترین بازار صادرات کالاهای انگلیسی در خاورمیانه به شمار می‌آمد. این بازار، سالانه یک میلیارد دلار ارز مورد نیاز خزانه‌داری بریتانیا را تأمین می‌کرد. رخنه اقتصادی بریتانیا در ایران، طی دوره زمانی مورد بحث، در ابعاد و زوایای مختلف مشهود بود. از حضور شرکت‌های انگلیسی در برنامه‌های بهداشتی و عمرانی تا مشارکت انگلیسی‌ها در ایجاد مجتمع مرغ داری و همچنین، همکاری در زمینه صنعت ذوب آهن. نفوذ عمیق اقتصادی بریتانیا در ایران، به قدری برجسته و پُررنگ بود که سفیر وقتِ این کشور در ایران، در خاطراتش می‌نویسد: «مهم‌ترین اولویت ما در آن زمان، افزایش صادرات انگلیس به ایران و ترتیب مسافرت و ملاقات هیئت بازرگانی انگلیس با مقامات ایرانی بود... قسمت بازرگانی سفارت، به مغز و کانون اصلی فعالیت‌های سفارت انگلیس در ایران تبدیل شد». به همین دلیل، مقامات انگلستان، تمایلی به تحوّل سیاسی در ایران و اضمحلال رژیم پهلوی نداشتند: «قدر مسلّم این بود که دوام رژیم شاه و توفیق او در اجرای برنامه‌هایش، به سود ما بود. بعید به نظر می‌رسید که رژیم دیگری در ایران منافع اقتصادی و بازرگانی و هدف‌های سیاسی و استراتژیک ما را بهتر از رژیم شاه تأمین کند.»

تاریخ جهان

وقتی استالین علیه روستاییان اعلام جنگ کرد

قحطی و مرگ؛ پیامد کشاورزی اشتراکی

فلیکس بور / ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

آرتور کستلر در پاییز سال ۱۹۳۲ از شهر خارکف اوکراین دیدن کرد. این شهر در آن زمان با گورستان تفاوتی نداشت. این نویسنده اتریشی - مجاری هر روز از پنجره اتاق هتل محل اقامتش، شاهد مراسم تشییع جنازه و خاکسپاری بود. دیدن افراد زنده نیز، نفس کستلر را بند می‌آورد؛ بچه‌های نحیف با شکم‌هایی که از شدت گرسنگی متورم بود و برای یک تکه نان، گدایی می‌کردند. زنان، نوزادان گرسنه خود را ساکت می‌کردند. دهان این نوزادان محل تجمع مگس‌ها و دیگر حشرات بود و مردان پابرهنه کهن سال، چکمه‌های خود را در برابر یک تکه نان سیاه در بازار شهر عوض می‌کردند. کستلر برای یکی از دوستانش تعریف می‌کند: «آن مردمی که در خیابان‌ها بودند، از سه ماه پیش غذایی برای خوردن نداشتند و به همین خاطر مانند مگس و پشه می‌مردند.» علت این فاجعه، تغییر رادیکال سیاست‌های رهبران شوروی بود؛ بلشویک‌ها در دوران جنگ داخلی و انقلاب، محصول روستاییان را می‌خریدند و در همان حال، وعده می‌دادند که رؤیای آنان را برای مالکیت زمین‌های کشاورزی محقق می‌کنند؛ اما ژوزف استالین، دیکتاتور شوروی، ناگهان یک برنامه اقتصادی اقتدارگرایانه را در پیش گرفت. او در ژانویه ۱۹۲۸ ادعا کرد که کولاک‌ها (دهقانان ثروتمند)، ذخایر عظیمی از غله را احتکار کرده‌اند و برای مقابله با آن‌ها، به «اقدامی فوق‌العاده» نیاز است. به این ترتیب هزاران کارگزار حزب، راهی روستاها شدند و به روستاییان اعلام کردند که دو گزینه بیشتر ندارند: یا باید محصول خود را به قیمت نازل به دولت بفروشند یا به اتهام احتکار محاکمه می‌شوند و از اردوگاه‌های کار اجباری سیبری سر در خواهند آورد. استالین در ۲ مارس ۱۹۳۰ طی نوشتاری در روزنامه «پراودا»، همه را به آرامش فرا خواند. اما دیکتاتور در واقع از مدت‌ها پیش، هزاران حکم مرگ صادر کرده بود؛ به عبارت دیگر، استالین قصد داشت با قلع‌وقمع کولاک‌ها یا به قول خود «کولاکیسم»، از تبدیل شدن آنان به یک طبقه اجتماعی جلوگیری کند. در همان زمان، شمار بالایی از کشاورزان از سوی رهبری شوروی به دلیل آن که مالکیت آن‌ها نوعی «انهدام‌کننده کشاورزی» بود، سلب مالکیت شدند و گروهی دیگر به اتهام «فعالیت‌های ضدانقلابی» همه دارایی خود را از دست دادند. این افراد را در اردوگاه‌های یخ‌زده سیبری به کار اجباری واداشتند و برخی از آن‌ها، این شانس را پیدا می‌کردند که در دیگر کالخوزها (مزارع اشتراکی) بیگاری کنند.

منبع: سایت تاریخ ایرانی

گزارش تاریخی

رقابت نفتی؛ پشت پرده قتل نایب کنسول سفارت آمریکا

در دوران قاجار، به دلیل اعمال نفوذ دو قدرت انگلیس و روسیه در ایران، یکی از اهداف برخی از سیاستمداران ایرانی، کاهش این نفوذ بود. از این‌رو، برای دستیابی به چنین هدفی، نظریات مختلفی ارائه کردند. یکی از این نظرات، روی آوردن به کشور ثالث برای رفع نیازهای ایران بود. بر اساس این نظریه، ایران می‌توانست با عقد قرارداد با کشورهایی که دارای منافع استعماری در ایران نبودند، جلوی واگذاری امتیازات بیشتر به انگلیس و روسیه را بگیرد و به‌علاوه، شرایط اجرای طرح‌های توسعه‌ای در کشور را فراهم کند. در میان کشورهای مختلفی که کاندیدای ورود به ایران، به‌عنوان کشور ثالث بودند، می‌توان از ایالات متحده آمریکا نام برد. یکی از زمینه‌هایی که ایران تلاش کرد با آمریکا وارد تعامل شود، قراردادهای نفتی بود. تمایل ایران و آمریکا به انعقاد قرارداد نفتی، سبب شد دو کشور مذاکرات را شروع کنند. از این‌رو، در سال ۱۳۰۰، شرکت استاندارد اویل نیوجرسی تمایل خود را برای اخذ امتیاز نفت شمال اعلام کرد که در نهایت، مذاکرات انجام شده، به عقد قرارداد با این شرکت و واگذاری نفت شمال به آمریکایی‌ها توسط مجلس شورای ملی منجر شد. بعد از عقد این قرارداد، هر دو دولت شوروی و انگلیس به آن اعتراض کردند. بر اساس قرارداد ایران با شرکت نفت انگلیس، عبور لوله‌های نفتی از جنوب، در انحصار این شرکت بود و شرکت استاندارد اویل باید رضایت این شرکت را جلب می‌کرد. برای عبور نفت از شمال نیز، نیاز به کسب رضایت شوروی بود که مذاکرات شرکت در این باره حاصلی نداشت. در شرایطی که ایران توانسته بود با عقد قرارداد با یک شرکت نفتی آمریکایی، امکان بهره‌برداری بیشتر از منابع نفتی خود را فراهم کند، قتل نایب کنسول آمریکا در تهران باعث شد روابط دو کشور بحرانی شود و قرارداد تحت تأثیر قرار گیرد. در آن زمان، یکی از طرف‌هایی که متهم به دست داشتن در قتل نایب کنسول سفارت آمریکا شد، دولت انگلیس بود که می‌گفتند این کار را برای خروج آمریکا از طرح نفت شمال انجام داده است. این مسئله سبب شد تا اولین تلاش ایرانی‌ها برای ورود قدرت ثالث به صنعت نفت کشور، با شکست مواجه شود. در سال‌های بعد و به ویژه در زمان جنگ جهانی دوم نیز، ایرانی‌ها تلاش کردند تا دوباره با آمریکایی‌ها، به عنوان قدرت ثالث، درباره ورود آن‌ها به صنعت نفت مذاکره کنند. در این دوره، تغییر وضعیت معادلات بین‌المللی، بعد از جنگ جهانی دوم، سبب شد انگلیس به مرور رویه خود را درباره ورود آمریکا به صنعت نفت ایران تغییر دهد و بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شراکت این کشور را قبول کند.

سخن بزرگان

زیباترین و به یادماندنی‌ترین سخنان مشاهیر در صفحه «همشهری سلام»

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۶۱۳
آگهی ابلاغ دادنامه

بدین وسیله به آقای حسن عرب ابلاغ می گردد به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۹۳۵۰۱۳۳۳ مورخ ۹۶/۸/۲۴ کلاسه پرونده ۱۳۵/۹۶۰۶۱۳ این شعبه به اتهام نگهداری نیم لیتر مشروب الکلی به تحمل شش ماه حبس تعزیری و بیست ضربه شلاق تعزیری و پرداخت هفتصد و پنجاه هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم شده است لذا از تاریخ انتشار به مدت ۲۰ روز چنانچه اعتراضی دارند به شعبه مراجعه و الا مراحل قانونی دیگر انجام خواهد شد
م الف ۲۵۷۲۰ - مدیر دفتر شعبه ۱۳۵ دادگاه کیفری ۲ مشهد
۹۶۱۷۲۶۲۹

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۶۹۴

پیرو آگهی های منتشره در جرائد به‌وسیله به محکوم علیه آقای مهدی ثقات مقدم که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد چون وقف دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۷۵۰۸۹۰۰۹۲۸ صادره از شعبه ۲۵۰ در پرونده کلاسه ۹۲۰۶۹۳ ۹۲۰۶۹۳ محکوم به پرداخت مبلغ چهار میلیون تومان بابت اصل خواسته و خسارات دیرکرد (پرداخت) خسارت وارده به سبب تاخیر در تادیه از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت (اجرائیه) بر اساس شاخص بانک مرکزی و سایر پرداخت مبلغ سی و دو هزار تومان بابت خسارت وارده به سبب هزینه دادرسی در حق شاکی متشنج تا متهم جهت دفاع از اتهام انتسابی در وقت مقرر در دادگاه حاضر گردد. بدیهی است در صورت عدم حضور، مطابق مقررات رسیدگی غیابی به عمل خواهد آمد. م الف ۴۵۲۲۴
رئیس شعبه ۱۳۵ دادگاه کیفری ۲ مشهد - احمد عبادی
۹۶۱۷۲۹۴۸

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۶۷۰
آگهی ابلاغ دادنامه

بدین وسیله به آقایان امید و ایمان آذری ابلاغ می گردد به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۹۳۵۰۱۳۰۱ مورخ ۹۶/۸/۲۲ کلاسه پرونده ۱۳۵/۹۶۰۶۷۰ این شعبه به اتهام توهین و ایراد ضرب و جرح عمدی حسب شکایت آقای سعید رضازاده به تحمل پنجاه ضربه شلاق تعزیری و پرداخت دیات حاصله از ایراد ضرب در حق شاکی محکوم شده اند . لذا از تاریخ انتشار به مدت ۲۰ روز چنانچه اعتراضی دارند به شعبه مراجعه و الا مراحل قانونی دیگر انجام خواهد شد.
م الف ۴۵۷۲۲ - مدیر دفتر شعبه ۱۳۵ دادگاه کیفری ۲ مشهد
۹۶۱۷۲۹۲۲

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۷۰۷

به‌وسیله پیرو آگهی های قبلی به امین غلامی اسلامیه - ایمان رسولی فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست جواد دهنوی علیه دادخواست الزام به تنظیم سند خودرو حکم امین غلامی اسلامیه به حضور در دفترخانه و اسناد رسمی انتقال سند اتومبیل پژو آردی به شماره ۹۳د۲۲۲ ایران ۱۲ مدل ۸۱ به نام خواهان و پرداخت هزینه دادرسی مبلغ یک میلیون و صدو نود و پنج هزار ریال به عهده خوانده اول ایمان رسولی در حق خواهان صادر و اعلام می نماید و الما تسبت به سند دعوی متوجه خوانده ردیف اول نمی باشد مراتب به‌به‌وسیله در روزنامه درج میگردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی واخواهی در این شورا است م الف ۴۵۷۲۹
مسئول دفتر شورای حل اختلاف شعبه ۲۵۰ مجتمع شماره ۵ مشهد
۹۶۱۷۲۹۶۵

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۸۱۱

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای / خانم حسن حیدری کیانی فرزند غلامرضا - خواهان آقای مجید پرهیز گار فرزند محمدعلی به وکالت آقای امیر سیامهی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای حسن حیدری کیانی فرزند غلامرضا به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک بمبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره ۱۲۵ به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۸۶۵-۳۱۰۰۸۰۸ شعبه ۱۲۵ شماره بایگانی ۹۶۰۸۱۱ شورای حل اختلاف مجتمع تشکیل شده شهرستان مشهد ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۸ ساعت ۰۹:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و عدم دسترسی از طریق مراجعه حضوری به دفتر شعبه اقدام نماید و لایحه دفاعیه خود را به همراه مستندات و دلایل خود ارائه نماید در غیر این صورت با توجه به محتویات پرونده و مفاد دادخواست و ضمائم و اظهارات خواهان و شهادت شهود و سوگند وی و نیز با توجه به اینکه خوانده با ابلاغ قانونی در جلسه دادرسی حاضر نشده است و دلیلی بر رد ادعای خواهان ارائه نکرده است دعوی خواهان ثابت و مستند به مواد ۱۹۸ و ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی و ۳۱۰ قانون تجارت و ۱۰ قانون صدور چک و ۱۹۳ قانون امور حسبی